

از کوچه پس کوچه های انزوا

اخیرا (و تا حدودی نه چندان اخیرا) سایت اتحادیه جوانان سوسیالیستی انقلابی ایران مطلبی از جلال مزینانی با عنوان " نکاتی در مورد قیم مابی سازمان جوانان کمونیست کارگری" منتشر کرده بود که با توجه به آپدیت شدن سایت آنرا بر نداشته اند. گویی دوست داشته اند که دام پهن باشد تا از طرف حککا جوابیه ای بگیرند. دعای هر شب و نماز نافله شان همه این بود که از طرف حزب مورد خطاب قرار بگیرند. اما متأسفانه! نقشه شان کار ساز نشد و حزب جوابی نداد. به باور من حزب کار های مهمتری در سطح کشور دارد تا اینکه وقتش را برای جواب دادن به گروه های چپ نمای نقلی بگذارد.

دوستان باسرف اتحادیه از هیچ کاری فرو گذار نکردند تا با حککا وارد بحث شوند و این به این دلیل نیست که برای بحث حرفی در چنته دارند. بلکه این تنها برای مطرح شدن و بیرون آمدن از کوچه پس کوچه های پر گرد و غبار انزوا می خواهند.

اگر لیستی که مخابرات جمهوری اسلامی برای فیلتر کردن سایت های موسوم به ضد انقلاب را نگاه کرده باشید، خواهید دید که در بین صد و هفتاد سایت ممنوعه تمام سایت های حزب کمونیست کارگری قرار داشت و حتی سایت روزنه در یک لیست صد و هفتاد اسمی مقام اول را داشت. یعنی جمهوری اسلامی اولین سایتی که باید فیلتر شود را روزنه تشخیص داده بود.

اما سایت اتحادیه فیلترینگ نشده است و ما دلیلش را اینطور بررسی می کنیم. البته که پرسنیپ و سطح حزب کمونیست کارگری با قلم به دستان سایت اتحادیه کاملا متفاوت است که در آن منصور حکمت را عملا همکار دستگاه جنایی پلیسی شاه ساواک معرفی کرده است. (اشاره به نوشته ع-شفق) ما شما را حتی متهم به زد و بند با جمهوری اسلامی نمیکنیم که آنها بخواهند سایت تان را باز نگه دارند. دلیل اصلی اینجاست که شما اصلا وزنه سیاسی به حساب نمی آید. و در تمام تحلیل ها شما گروهی نیستید که بتوانید کاری از پیش ببرید. در یک تند پیچ سیاسی متلاشی می شوید و چون فاقد حمایت توده ای هستید قابلیت باز تعریف شدن را هم ندارید.

سازمان جوانان کمونیست را متهم میکنید که هیچ ارتباط ارگانیکی با مبارزات جوانان داخل کشور ندارد. صرف نظر از اینکه شما چه ارتباط ارگانیکی دارید باید این را بگویم که متأسفانه چون شما یک محفل خارج کشوری هستید. جو جوانان و جایگاه حزب و سازمان جوانان را در آن نمیبینید.

نمیبینید که در اعتراضات گذشته منشور سیاسی حزب کمونیست کارگری (به جز دو بندی که مربوط به جدایی دین و دولت بود) را جوانان دانشجو بصورت پلاکارد در دست ها گرفتند و به عنوان خواسته هایشان معرفی کردند؟ نمی بینید که سر بند هایی که با شعار محوری حزب (آزادی برابری) بر سر جوانان بسته شده بود؟ نمیبینید که حتی در نشریات دانشجو حرف های حزب را می زنند؟ و حتی من در چند نشریه دیدم که علنا نام حزب کمونیست کارگری نوشته اند. نمی بینید که حتی تحکیم وحدتی ها و دوم خردادی ها هم کمونیسم را با نام حزب کمونیست کارگری می شناسند؟ ما فقط دفا ترمان را دایر نکرده ایم و گر نه در تمام اعتراضات علنا حضور فعال داشته ایم. حزب کمونیست کارگری بلند گوی اعتراضات مردم داخل کشور است. مردم

بیش از آنکه به ژورنالیست های بی منظور بی بی سی اعتماد کنند، به حزب و رادیو انترناسیونال اعتماد دارند. با کدام ارتباط غیر ارگانیکی می توان این اخبار را به حزب رساند؟

اگر به نشریه جوانان کمونیست در شماره هایی که بین 20 خرداد تا 18 تیر منتشر میشد نگاه می کردید این "عدم ارتباط!!!" را به خوبی می دیدید که چگونه جوانان مشتاق و فعالین کمونیست درون مرزی جنبش کمونیسم کارگری با حزب تماس می گرفتند. کمی (و فقط کمی) منصف باشید. باور کنید که لجن پراکنی، تهمت و افترا و بستن دروغ به حزب کمونیست کارگری روش شرافتمندانه ای برای مطرح شدن نیست.

شما که ساز مان را یک "زائده قیم ماب" توصیف کرده اید و آن را بی ارتباط به جامعه می دانید، چرا حجم زیادی از نشریه 3 تیرازی تان و سایت فراگیرتان! (کلا کار روزانه تان) را مشغول به اصطلاح نقد این جریان کرده اید؟ آیا این نشان از وحشت روز افزون شما در قدرت گیری کمونیسم و مشخصا کمونیسم کارگری نیست؟ اگر ما بی ربط به جامعه هستیم و صرفا یک زائده هستیم این شلوغ بازی ها و در بوق و کرنا دمیدن ها برای چیست؟ این تناقض را چگونه پاسخ می دهید؟

می گوئید جوانان کمونیست در تشکیل سازمانشان هیچ نقشی نداشته اند. و دلیل اصلی آن که وجود اختناق و حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی است را به مسخره می گیرید. و آن را "بهانه تراشی" می نامید. دوست گرامی، امید وارم که هیچ وقت چنین اتفاقی برایتان نیفتد، ولی اگر یکبار پایتان به بازداشت گاه ها یا اطلاعات رژیم باز شود و ببینید که چه جهمی است دیگر اینگونه برخورد نمی کنید. در اروپا نشستن و آبجو خنک را سر کشیدن و آنگاه اختناق را بهانه تراشی خواندن کار ساده ای است. خواهشا کمی واقع بینانه برخورد کنید. شما همگی حتی در مهد آزادی جرات ندارید که عکستان را رو کنید و غالبا هم با اسامی مستعار می نویسید بعد از جوانان داخل ایران چه انتظارات بزرگی دارید؟ کسی که 25 سال اختناق و سرکوب آزادی خواهان _ خصوصا کمونیست ها _ را به مسخره می گیرد، چگونه می تواند برای جان فعالین خود (البته اگر داشته باشد) ذره ای ارزش قائل باشد؟

کدام عقل سلیم و با وجدانی گفته است که سازمان رهبری خود را تحمیل کرده است؟ حتی دبیر سازمان جوانان، رفیق بهرام مدرسی، همواره خود را "دبیر سازمان" معرفی کرده و من حتی در یک مورد به یاد ندارم که ایشان خود را رهبر بدانند. و همچنین ایدا در سازمان آن حالت مخوف بالا دست پایین دست رایج در گروه های چپ سنتی حاکم نیست. محیط کاملا دوستانه و عاطفی حکمفرماست که همه به راحتی می توانند حرفشان را بزنند و انتقاد کنند و پیشنهاد دهند. سازمان جوانان تنها یک ظرف است. یک ظرف متشکل کننده، که مبارزات هسته های کمونیستی داخل کشوری را حول سیاست های کمونیستی و انقلابی متشکل و متحد کند. لذا حرف کودکانه شما که گفته اید سازمان هیچ اعتقادی به شکل گیری تشکلات خود جوش کمونیستی ندارد، یاوه ای بیش نیست. و از این ناشی نمی شود که نشریه را دنبال نمیکنید و سیاست های حزب را نمی دانید. ولع زایدالوصف شما و لحظه شماری تک تک شما برای خواندن نشریه را می دانم و همچنین آن هیستری که خودکار را روی کاغذ با بغض می لغزاندید تا بیشتر بنویسید را کاملا درک می کنم. چون همین اخیرا مطالبی با عنوان: محلات را باید متشکل کرد، تشکل های موجود جوابگو

نیستند و همه و همه دروغ ها و افترا ها و از همه مهمتر صداقت ! و تعهدی که به قلمتان دارید! را کاملا آشنا می کند. شرافت مطبوعاتی هم حدی دارد!

و جا دارد که یک بار دیگر از گلایه شما و ارائه آن جمله قصارتان که چرا نشریه مواضع حزب را منعکس می کند عذر خواهی کنم. جدا نمی دانستم که نشریه جوانان کمونیست باید مواضع حزب مشروطه، مجاهدین خلق و یا احیانا مواضع شما را منعکس کند. و شما که دردتان عدم ارتباط با ایران است خواهشا به این نکته توجه داشته باشید که مقالاتی که در نشریه بدون عکس سه در چهار (که طعنه می زنید) از ایران است. نقد هر هفته که رفیق مصطفی صابر به آن پاسخ می دهد از ایران است. نگاهی به قسمت پاسخ به نامه ها ببینید چه تعداد از ایران هستند. این ها همه اعضای جوان سازمان هستند که شما با خیال آسوده همه این ها را نادیده می گیرید. اول فکر کنید، بعد افترا بزنید. چون ممکن است حرفتان گاف از آب در بیاید.

در باره سفارشات که برای نشریه کمونیستی کرده اید من واقعا نمی دانم چه باید بگویم. چه ذکاوتی!! علاوه بر نقد جدی بر سفارشاتتان و شعار زدگی تک تک عبارات، خود نشریه شما چند در صد این وصیت نامه معیوب را رعایت کرده است؟ ما توصیه های ایمنی شما را جدی نمی گیریم.

در مورد دو پاراگراف پایانی عامدانه چیزی نمی گویم. چون واقعا خنده دار است که سازمان جوانان کمونیست را زائده می دانید و آن را نهادی می دانید که جوانان در تشکیل آن نقشی نداشته است. و ناگهان آن سازمان انقلابی شما از گرد راه می رسد که نه زائده است و تک تک جوانان کمونیست درون مرزی در تشکیل آن حضور مستمر و فعال داشته اند! و رهبری مبارزات را می قاپد و می رود. خودتان را جای جوانی بگذارید که پاراگراف آخر شما را می خواند. واقعا چه کار کند؟ روی زمین دراز بکشد و شکمش را بگیرد و قاه قاه بخندند؟ یا به شما ببینند؟ بی رو در بایستی بگویید چکار کند؟

تمام آن به اصطلاح نقد یا مقاله یا هر اسمی که مایلید روی آن بگذارید که شما آن را نوشته اید بار دیگر این نکته را به اثبات رساند که اتحادیه سوسیالیستی انقلابی ایران علی رقم تمام ادعا ها و ژست هایی که دارد، چیزی بیش از یک محفل فکری لمپن روشنفکر بورژوازی نیست.

روشنفکران تشنه و آرزومندی که زاد توشه فکری تتک مایه شان آنها را در برابر احزابی مانند حزب کمونیست کارگری خلع سلاح کرده است. بورژوازی هستند زیرا بیش از آنکه خود می خواهند که انقلابی باشند، خود مانند قارچ زاییده بحرانی خاص هستند، که انگل وار به تن جنبش چسبیده اند. و مانند علف هرز سر از خاک بر می آورند و با کوچک ترین تغییری از بین می روند. و به همین دلیل در خلال همین امر کمدی تراژدی شبه انقلابی اجرا می کنند. کمدی از این جهت که پای لنگشان نمی توانند خود را به طغیان جامعه برساند و تراژدی این جاست که کاری نمی توانند بکنند و تلاش کودکانه شان موجب تسریع اضمحلالشان خواهد شد.

نیما کارگر. دانشجو در تهران

